

اقتصاد



رفت و برگشت دلار در تابستان میان کانال ۴۸ و ۴۹ هزار تومان

پیش‌بینی قیمت دلار در نیمه دوم سال

صفحه ۵

نتایج ۲۰ سال مذاکره از دوروش متفاوت زیر ذره‌بین «اتحادملت»

فصل ماهیگیری

برای کاسبان تحریم

در حالی مذاکره کننده ارشد ایران در دولت سیزدهم از تلاش کاسبان تحریم برای بهره برداری از ارزش های ملی-مذهبی در جهت تخریب مذاکره کنندگان انتقاد کرد که هنوز رئیس جمهور در برابر همه «تحریم خواهان تندرو» واکنش نداشته است.

یکی از درس های مهمی که دیپلمات ها در دانشکده وزارت خارجه فرا می گیرند آن است که در فرایندهای دیپلماسی، تحت هر شرایطی، نظرات کارشناسی خود را بر مبنای «منافع ملی و صادقانه» به تصمیم سازان منتقل کنند. موضوعی که ذهن مذاکره کننده را علیرغم باورهای مذهبی و اعتماد به آرمانهای دینی، با ذهنیتی واقع گرایانه پشت میز دیپلماسی قرار می دهد تا در نهایت «منافع ملی» را برای اکثریت مردم و فارغ از سوگیری های حزبی و جناحی تامین کند. از دهه ۸۰ جریان سیاسی در کشور، بدون توجه به منافع ملی، سیاست خارجی را به اهرم و ابزار برای تقویت قدرت حزبی در داخل کشور قرار داد. اگرچه به دلیل افزایش درآمدهای نفتی تا نیمه های دهه ۸۰، تاثیر بر تصمیمات هیجان زده که پیامد آن تحریم های اقتصادی و هسته ای بود، بر اقتصاد و امنیت ایران مشخص نشد اما فضایی گفتگمانی در کشور شکل گرفت، که با بهره گیری از نمادها و نموده های دینی و مذهبی، دو قطبی «مذاکره-مقاومت» را شکل داد. در همان زمان، علی باقری به همراه سعید جلیلی مسئولیت مذاکرات هسته ای ایران را برای «تثبیت حقوق هسته ای» بر عهده داشتند.

شرح در صفحه ۷

♦♦ سخن نخست

ایران؛ تهاوتین نهنگ ۵۲ هرتزی

نظام جهانی، منافع متقابل را می فهمد. نه دوستی دیرینه، نه سابقه و گذشته، نه ایدئولوژی، نه همسایگی هیچ کدام معیار اول تصمیمات سیاست گذاری خارجی نیست. بنابراین کشوری که در این جهان بازبانی دیگر (فرکانسی دیگر) صحبت کند کشوری تنها (نهنگ ۵۲ هرتزی) خواهد بود. نهنگ های تنها سرنوشت غم انگیزی دارند. بگذارید با یک پدیده غم انگیز و جالب شروع کنم. در دهه نود صدایی در اقیانوس ها ضبط شده بود که کمی عجیب بود. بعد از بررسی های متعدد به این جمع بندی رسیدند که این صدای یک نهنگ است.



مجتبی لشکر بلوکی

ادامه در صفحه ۲

دچار توسعه نیافتگی اقتصادی هستیم

اقتصاد ایران، شلخته و مملو از گره های کور است

۵

روایتی متفاوت از آغاز سال تحصیلی

حال خوب کودکان کار در مدرسه «صبح رویش»

۳

رویارویی حدادعادل با جبهه پایداری در اسفند ۱۴۰۲

چالش «لیست واحد» در اردوگاه اصولگرایان

۲



وعده اوجی تحقق یافت

بازگشت ایران به جمع تولیدکنندگان بزرگ اوپک

صفحه ۲

یادداشت

مقامهای ارمنستان اتکای صرف ایران به روسیه را خطای استراتژیک خوانده اند شاید به همین دلیل اخیر ارمنستان با مشارکت آمریکا اقدام به برگزاری رزمایشی کرده که برای روسیه رفتار ایران غیر دوستانه تلقی شده است. اما از جنبه استراتژیک تصور بی اطلاعی روسیه از اقدام و عملیات نظامی جمهوری آذربایجان در قره باغ ساده انگاری است. هرچند این دیدگاه وجود دارد که باکو از درگیری روسیه در جنگ اوکراین به عنوان فرصت برای پایان دادن به مناقشه بر هزینه قره باغ استفاده کرده است، اما اینگونه نیست و فرآیند تحولات نشان می دهد که آذربایجانی ها بدون اطلاع مسکو بی گذار به آب نمی زنند. پس ماهیت رفتار نظامی باکو و نوع نگرش روسیه و ترکیه به شرایط پدید آید در قره باغ را در روبرو کرد و جهت گیری های دیگری می توان جستجو کرد. زیرا، روسیه بیشتر به آذربایجان برای بازپس گرفتن مناطق تحت کنترل از ارمنستان، چراغ سبز نشان داده بود. ترکیه هم پشتیبانی همه جانبه جمهوری آذربایجان در مجموعه جنگ های قره باغ بوده است.

اهداف ترکیه در حمایت از جمهوری آذربایجان

بررسی سیاست های ترکیه و حمایت از او از جمهوری آذربایجان در جنگ های قره باغ این پرسش را مطرح می کند که این کشور به دنبال چه اهدافی است. به نظر می رسد که ترکیه به دنبال نظامی نو در قفقاز جنوبی است. ترکیه به دنبال افزایش وزن و قدرت خود در عرصه منطقه ای است و شاخص های این نظم نو اینها هستند:

۱. روسیه از طریق چهارچوب هایی که آذربایجان و ترکیه تعقیب می کنند با مسائلی مثل ایجاد دالان و بازپس گیری مناطق اشغالی همراهی کند. سکوت روسیه در برابر طرح های این کشور، نشان دهنده آن است که آذربایجان و ترکیه در قفقاز تعقیب می کنند برای ترکیه بسیار مهم است.
۲. حفظ تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان بسیار اهمیت دارد. ترکیه به دنبال تکمیل فرایند حاکمیت ارضی آذربایجان در همه مناطق قره باغ است.
۳. ترکیه هم مثل روسیه تمایلی به حضور و نفوذ کشورهای غربی در قفقاز جنوبی ندارد. ترکیه به دنبال گسترش یک نگاه منطقه ای مبتنی بر پیشبرد برنامه های خود در این منطقه است. بیشترین اهمیت را هم موافقت ضمنی روسیه با این طرحها دارد. بنابراین برای روسیه هم بسیار مهم است که کشورهای غربی در مناطقی که بخشی از حوزه حمایت روسیه قلمداد می شوند؛ نفوذی نداشته باشند.
۴. خطوط مواصلاتی و اتصالات جغرافیایی است که قرار است ترکیه از طریق نخچوان به جمهوری آذربایجان و از آنجا به سمت آسیای مرکزی برود. این مساله برای ترکیه به دو دلیل اهمیت دارد. اول این که اتصال بین کشورهای ترک زبان خواهد بود. آرزوی دیرینه ترکیه که بتواند ترک زبانها را به هم وصل کند. دوم اینکه ترکیه در چشم انداز سیاست خارجی خود در میان مدت و بلند مدت به دنبال پیشبرد طرح های کلان اقتصادی در قفقاز و چین است. ترکیه می تواند در این منطقه نقش محوری ایفا کند. دالان های اقتصادی که چین هم به دنبال آنهاست نقش ترکیه را پر رنگ تر می کنند.
۵. ترکیه به دنبال عادی سازی روابط با ارمنستان و عادی سازی روابط آذربایجان با ارمنستان با کمترین هزینه می ممکن است. ترکیه می گوید که مساله ی هر هزینه و پر حاشیه ای ارمنه را که همواره دامن سیاست خارجی ترکیه را گرفته است تقلیل دهد. یعنی ارمنستان را در وضعیت بی قرار دهد که به طرف بهبود روابط با ترکیه حرکت کند.

نگاه باکو به خودمختاری ارمنیه قره باغ

جمهوری آذربایجان به دنبال حذف عامل جغرافیا به عنوان یک اداره ی محلی برای قره باغ است. تقسیم سازی را اصلا قبول نخواهد کرد اما شاید شیوه و شکلی از اداره ی محلی که مبتنی بر رسیدگی به وضعیت اداری قره باغ باشد را بپذیرد. مساله ی حقوق ارمنه و به رسمیت شناختن حقوق شهروندی آن ها به لحاظ دینی و فرهنگی محدود به آذربایجان نمی شود. ملاحظات بین المللی در مورد ارمنه وجود دارد و آن ها هم از لایه قدرتمندی در سطح جهانی برخوردارند که نادیده گرفتن آن ها هزینه ی زیادی برای جمهوری آذربایجان خواهد داشت.

نظم نوین ترکیه در قفقاز جنوبی



سیامک کاکایی

ترکیه در راستای افزایش وزن و قدرت خود در عرصه منطقه ای، به دنبال ایجاد نظمی نو در قفقاز جنوبی است. مناقشه قره باغ پیشینه ی صد ساله دارد. جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان در داخل اتحاد جماهیر شوروی بر سر حاکمیت قره باغ در نزاع بودند تا اینکه در ۱۹۲۳ یعنی صد سال پیش، مقامات شوروی منطقه ی خودمختار قره باغ را ذیل حاکمیت جمهوری آذربایجان رسماً اعلام کرد. این مناقشه بعد از فروپاشی شوروی، بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان از سر گرفته شد و به درگیری و جنگ دو طرف در سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۴ انجامید. در قطعنامه ها و کنسولسیون های بین المللی چه از طرف شورای امنیت سازمان ملل و چه نهادهای اروپایی از قره باغ به عنوان بخشی از جمهوری آذربایجان نام برده شده است. بنابراین از نظر حقوقی قره باغ بخشی از خاک آذربایجان قلمداد می شود. در جنگ اول قره باغ بخشی از خاک جمهوری آذربایجان به تصرف ارمنستان در آمد و در حدود سی سال تحت کنترل غیرمستقیم ارمنستان بود. اما جنگ ۲۰۲۰ میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان شرایط را تغییر داد و جمهوری آذربایجان بخش عمده مناطق اشغال شده را آزاد کرد و در نهایت با میانجی گری روسیه در ده نوامبر ۲۰۲۰ توافقنامه ی آتش بس بین آذربایجان و ارمنستان امضا شد. توافقی در ۹ بند و آن چیزی که در ایران از این توافق نامه بسیار مشهور است، بند ۹ آن مبنی بر ایجاد یک دالان بین جمهوری نخچوان و آذربایجان است. اما در بند چهارم این توافق نامه در مورد خط اتصال خاکندوی و ارمنستان یعنی کریدور لاجین بحث شده و مسوولیت حفظ صلح این کریدور به عهده ی روسیه گذاشته شده است. اما با وجود توافق آتش بس، درگیری های مختصر و تنش بین آذربایجان و ارمنستان وجود داشته است. زمستان سال گذشته آذربایجان دالان لاجین را بست، ارمنستان، دولت آذربایجان را متهم به پاسسازی قومی کرد. اتهامی که باکو آن را رد کرده و چنین اتهامی به خاطر ساکنین ارمنه قره باغ است. تنش ها در هفته های اخیر بالا گرفت و عملیات نظامی محدود آذربایجان به سمت خاکندوی را در پی داشته است که حتی از آن به عنوان جنگ سوم قره باغ نام برده شده است. از نظر حقوقی قره باغ متعلق به آذربایجان است اما ادعای ارمنستان این است که قره باغ بخاطر جمعیت ارمنه ساکن و پیشینه تاریخی آن به شکل خودمختار اداره شود تا حقوق ارمنی ها حفظ شود.

در هفته ی گذشته انتخاب رییس جدید برای این منطقه توسط نیروهای خودمختار واکنش تند ترکیه و آذربایجان را برانگیخت و اتحادیه ی اروپا هم این مساله را تایید نکرد. اما در این بین بررسی نقش و نگاه بازیگران بین المللی به این موضوع بسیار اهمیت دارد. یکی از بازیگران مهم در قفقاز ترکیه است. ترکیه مهم ترین و اصلی ترین حامی جمهوری آذربایجان در روند تاریخی و سیاسی مناقشه ی قره باغ به حساب می آید. ترکیه هم در جنگ های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۴ بر سر حق تعیین سرنوشت آذربایجان حمایت کرد و هم در جنگ ۲۰۲۰ پشتیبان اصلی اقدام نظامی آذربایجان برای آزادسازی اراضی خودش بود. این پشتیبانی از جنبه ی فکری، سیاسی، تجهیزاتی و نظامی و بین المللی انجام گرفت. در بررسی مفهومی، روابط ترکیه و جمهوری آذربایجان از دوران حیدر علی اف تغییر «یک ملت، دو دولت» برای نشان دادن نوعی همبستگی بین دو کشور استفاده می شده است. اخیراً نیز زجب طیب اردوغان رئیس جمهوری ترکیه در مجمع عمومی سازمان ملل این مساله مورد تأکید قرار داد و گفت، شعار ما و جمهوری آذربایجان این است که ما یک ملت هستیم که دو دولت داریم و آنکارا از اقدامات باکو برای حفظ تمامیت ارضی خود حمایت می کند. بنابراین دیدگاه ترکیه به کلیت مناقشه ی قره باغ حفظ تمامیت ارضی و

یادداشت

دسته دومی ها بگوش باشید!



بهزاد شفیقی

بی گمان اگر شهید باقری زنده می ماند سرنوشتی شبیه به شهید داود کریمی و شهید بهمنی پیدامی کرد. نمی دانم شهیدمهدی باقری چشم اندازی به اوضاع پس از جنگ ایران و عراق داشت یا ارتباطات معنوی او با خدا و ائمه اطهار؛ اینگونه او را به سخن گفتن واقع بینانه درباره رزمندگان سبز ازجنگ واداشته است؛ هنوز با گذشت ۳۵سال از پایان دفاع مقدس و ۲۹سال ازشهدات این بنده مخلص خدا و فرمانده دلاور لشکر عاشورا؛ هم چنان طنین او در گوش دسته دومی ها و دسته سومی ها؛ زنگ می زند...

به گفته شهیدمهدی باقری؛ دعاکنید تا شهادت را نصیب شما کند در غیر این صورت زمانی فرامی رسد که جنگ تمام می شود و رزمندگان امروز سه دسته می شوند دسته ای به مخالفت با گذشته خود بر می خیزند و از گذشته خود پشیمان می شوند و دسته ای راه ای بی تفاوتی را بر می گیرند و در زندگی مادی غرق می شوند و همه چیز را فراموش می کنند و دسته سوم به گذشته خود وفادار می مانند و احساس مسئولیت می کنند که از شدت مصایب و غصه ها دق خواهند کرد!

بی گمان اگر شهید باقری زنده می ماند سرنوشتی شبیه به شهید داود کریمی و شهید بهمنی پیدامی کرد؛ البته بعید میدانم او دنبال پست و مقام و کنشگری درحوزه حکمرانی بوده باشد؛ همو و سایر شهدای ارجمند دفاع مقدس رزمندگان مخلصی بودند که در پی نام و نان نبودند و آرمان آنها؛ اعتلای سرزمین ایران و پیش مرگی برای مردم رنجیده ایران بود.

شاید هم اگر تاکنون در قید حیات بود؛ حتما جزو دسته سومی ها بود و در کنار سختی ها و مشکلات مردم می ماند تا بلکه هم چنان فدایی مردم متعهد ایران باشد. البته حرجی نیست چرا برخی از مسئولان فعلی و علی الخصوص رزمندگان سابق دفاع مقدس و بلکه فرماندهانی که با شهدایی چون باقری، همت، خرازی، کاوه، زین الدین، باقری و قس علیها دمخور و همراه بودند هم اینک در صف دسته دومی ها قرار گرفته اند و چرب و شیرینی دنیا چنان آنها را برده و عبیدخود کرده که اصلا اعتباری به گذشته خالص و سلامتی دوره دفاع مقدس قائل نیستند. بخصوص آنهایی که در خانه ملت نشسته و برای مردم ایران نسخه های حکمرانی نوین می پیچند. امیدوارم روزی با خود و خدا خلوت کنند و با مردم از هر جنس، گرایش، فکر و عقیده نشست و برخاستی داشته باشند تا درد ورنج آنان را به خوبی از نزدیک لمس کنند. بعید می دانم دیگر سخن شهیدباقری برای این دسته از غریقان مال دنیا نیست و مقام اعتباری داشته باشد چراکه زنجیر بندگی دنیا چنان به تاروپود آنها رسوخ کرده که امکان گسستن آنان امکان پذیر نیست. بگذریم؛ اینگونه زیستن سزوارهیچ زمننده مخلصی نیست چون رزمنده عاشق مردم در هرحال چه در پست و مقام و چه در عزل و برکناری از دنیا، همیشه به عشق مردم سرزمین ایران زنده است. امیدکه دسته دومی های عاشق مال و منال و پست و مقام به گوش باشند و قبل از آنکه مرگ سراغ آنها آید سعی کنند از زندگی مادی فاصله بگیرند و نسبت به وضعیت و منافع مردم بی تفاوت نباشند و گرنه دور نیست آن روزی که گویند: ناگهان بانگی برآمده که خواهد رفت.....